امتیاز

دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰
۱۳ صفرالحرام ۱۴۴۳ ● ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱
شماره ۳۲۸۴ ● ۸ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

با پشت سر گذاشتن چهل و ششمین دوره؛

«بلفاست» کنت برانا برنده بزرگ ۲۰۲۱

«بلفاست» موفق شد تا جایزه فیلم منتخب مردم را از جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو امسال دریافت کند.

در همین حال جایزه پلتفرم داوران به ریاست ریز احمد به «یونی» ساخته کامیلا آندینی از اندونزی رسید و جایزه مستند منتخب مردم نصیب «نجات» ساخته ای.چی واسارهلی و جیمی چین شد. جایزه منتخب مردم در بخش دیوانگی نیمه شب هم به «تیتان» ساخته جولیا دوکورنائو برنده جشنواره کن اهدا شد.

برانا در مراسم دریافت جایزه از اولین نمایش جهانی «بلفاست» که در همین جشنواره صورت گرفت به عنوان یکی از به یادماندنی‌ترین تجربیاتش در تمام طول زندگی حرفه‌ای خود یاد کرد و گفت: اینکه این همه دوست‌دار سینما با این فیلم چنین ارتباط عمیقی برقرار کردند برای من کاملاً دلگرم کننده بود، همچنین برای جیمی دورنان ... و ما درباره آن در تمام آن شب به یادماندنی صحبت کردیم و در شهر فوق‌العاده شما خندیدیم و اشک ریختیم.

فیلم برنده جایزه منتخب مردم معمولاً به معنی پیشگویی برای جوایز اسکار محسوب می‌شود و سال پیش «سرزمین آوارگان» کلوئی ژائو ابتدا برنده تورنتو شد و در نهایت به اسکار رسید. «کتاب سبز»، «۱۲ سال بردگی»، «سخنرانی پادشاه» و «میلیونر زاغه‌نشین» نیز از دیگر فیلم‌هایی هستند که همین تجربه را پشت سر گذاشتند.

دومین برنده جایزه منتخب مردم درام کانادایی «اسکاربورو» ساخته شاشا نخعی و ریچ ویلیامسون شد که برمبنای رمان پرفروش کانادایی سال ۲۰۱۷ ساخته شده است. این فیلم همچنین برنده جایزه بنیاد شان مندس شد که با یک جایزه نقدی ۱۰ هزار دلاری همراه بود.

فیلم سوم هم به درام «قدرت سگ» ساخته جین کمپیون رسید که بندیکت کامبربچ بازیگر آن بود.

جایزه اولین فیلم یک کارگردان تورنتو به «سنت آن» ساخته راین ورمیت از مونتوبای کانادا اهدا شد. این فیلم جایزه ۱۰ هزار دلاری صداهای آمپلی‌فایر برای بهترین فیلم بلند کانادایی را هم از آن خود کرد.

«پلنگ آناتولی» جایزه دوران فیپرشی را از فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم دریافت کرد. امره کابیش سازنده این فیلم بود. هیات داوران فیپرشی از این فیلم به عنوان راه‌های سنتی و مدرن در یک کشور در قالب یک کمدی کنترل شده یاد کرد که تصویرگر مردی در میان چیزهای عجیبی است که وی را احاطه کرده‌اند.

جایزه داوران «نتپک» برای تجلیل از سینمای آسیا پاسیفیک نیز به «کاستا براوا، لبنان» ساخته مونیا آکی اهدا شد. هیات داوران از فیلم به عنوان یک داستان خانوادگی بین‌نسلی بی‌نظیر همچون قصیده‌ای برای آینده پایدار در کشور گرانبها و آشفته کارگردان یاد کرد.

جوآنا ونسان و کامرون بیلی مدیران این جشنواره در مراسم پایانی از جشنواره امسال به عنوان مجموعه‌ای یاد کردند که بهترین‌ها را از سراسر دنیا گرد آورد و هم آثاری از کارگردان‌های مولف محبوب را به نمایش درآورد و هم ارایه‌کننده صداهای تازه در فیلمسازی بود.

امسال در جشنواره با اهدای جوایزی از استعدادهای بزرگ صنعت فیلم تجلیل شد. این جایزه که از سال ۲۰۱۹ شروع به کار کرده امسال به جسیکا چاستین و بندیکت کامبربچ بازیگر، دیون وارویک خواننده، دنی ویلنو، آلانیس اوبومساوین و دنیس گولت فیلمساز و آری وگنر فیلمبردار اهدا شد.

جشنواره فیلم تورنتو که از سال ۱۹۷۶ شروع به کار کرده امسال چهل و ششمین دوره خود را از جمعه ۱۹ شهریور تا شنبه شب ۲۷ شهریور برگزار کرد.

این جشنواره که امسال به صورت ترکیبی از فیزیکی و با امکان تماشای فیلم‌ها به صورت آنلاین همراه بود، بار دیگر فرش قرمز خود را پهن کرد که در عین حال در حد و اندازه سال‌های پیش از کرونا نبود.

بدون هفت‌تیر در جست‌وجوی عدالت

فیلم سینمایی «مرداب» یا «استیل‌واتر» (Stillwater) با بازی مت دیمون، چندی پیش به صورت فیزیکی و آنلاین در آمریکا و بازارهای بین‌المللی اکران شد و تا کنون نزدیک به ۱۷ میلیون دلار فروخته است.

«مرداب» که در آمریکا و فرانسه فیلمبرداری شده است، نخستین اکران خود را در ۱۷ تیر ۱۴۰۰ و در جشنواره کن در فرانسه تجربه کرد و واکنش‌های مثبتی از منتقدان گرفت. این فیلم در تارنمای IMDb امتیاز ۶.۶ از ۱۰، در راتن‌تومیتوز امتیاز ۷۵ از ۱۰۰ و در متاکریتیک امتیاز ۶۰ از ۱۰۰ را کسب کرده است.

به عنوان مثال، «جو مورگنسترن» در وال استریت ژورنال به این فیلم امتیاز ۷۰ از ۱۰۰ داده و نوشته است: «مت دیمون در یک نقش محوری و اصلی، یک جذابیت غم‌انگیزی را به مردی بخشید که تصور می‌کرد هیچوقت چنین چیزی را در وجودش نداشت.»

این فیلم البته مخالفان جدی هم دارد، مثلاً «ایزاک فلدبرگ» از مجله‌ی پیست نوشته است: با نزدیک شدن به پایانِ فیلم، تمام امیدهای‌مان برای اینکه مک کارتی بتواند این داستان را نجات دهد، به یأس تبدیل می‌شود. فیلم مرداب درست همانند یک سنگ در مرداب فرو می‌رود.» او به این فیلم امتیاز ۲۱ از ۱۰۰ داده است!

در مرداب که توسط تام مک‌کارتی، سازنده آثاری همچون «کریستوفر رابین»، «اسپات‌لایت»، «بازی برد-برد» و «بازدید کننده» کارگردانی شده است، علاوه بر مت دیمون (بیل)، بازیگران دیگری همچون ابیگل برسلین (آلیس) و کامیل کاتین (ویرجینی) به ایفای نقش پرداخته‌اند.

* ماجراجویی در ساحل مدیترانه

داستان این فیلم که در گونه جنایی-درام، اکشن و هیجان‌انگیز قرار می‌گیرد این است که پدری از اوکلاهما به فرانسه می‌رود تا دخترش را از گرفتاری نجات دهد؛ دختری که به دلیل قتلی که مدعی است مرتکب نشده، در زندان به سر می‌برد. آلیسن به ۹ سال زندان محکوم شده ولی ادعا دارد که بیگناه است. پس از پیدا شدن مدارکی تازه، نامه‌ای به وکلایش می‌نویسد و کمک می‌خواهد. ولی مراقب است پای پدرش را مستقیماً وارد ماجرا نکند: «در این مورد به او اعتماد ندارم؛ مرد این کار نیست.» برای مردی همچون پدر آلیسن، چنین جمله‌ای چالش‌برانگیز است و وقتی نقش این مرد را مت دیمن با تیشرت و تتویی از عقاب بازی کند، توقع داریم در کارش موفق شود! اما اگر هم موفق شود، به خاطر آن نیست که کارگردان فیلم این ماجرا را برای فیلمش انتخاب کرده است. او می‌خواست ماجرایی معمایی را تعریف کند که در یکی از شهرهای ساحلی مدیترانه اتفاق می‌افتد. پس از مدتی کنکاش، بندر مارسی را برای این منظور انتخاب کرد. اما هنگام تولید فیلم، چیزی در آمریکا تغییر کرد و مک کارتی خواسته این تغییر را در روایت فیلم نشان دهد.

داستان از دیدگاه بیل بیکر تعریف می‌شود ولی در عین حال از مخاطب دعوت شده شخصیت را از دیدگاه دیگران هم ببیند: ببینند این قلدر شهرستانی چطور به آدم‌هایی که خارج از آمریکا می‌بیند، نگاه می‌کند؛ مثلاً به ویرجینی، مادری که بچه‌اش را به تنهایی بزرگ می‌کند و بیل با آن لهجه جنوبی و حرکات زمخت، همان اوایل داستان با او آشنا می‌شود.

* بدون هفت‌تیر در جست‌وجوی عدالت

مجله «دنیای تصویر» خلاصه داستان فیلم را چنین شرح داده است: بیل قبلا در شهر «استیل‌واتر» در اوکلاهما، به حفاری نفت مشغول بوده است. (به همین دلیل شاید بهتر باشد نام فیلم را بدون برگردان به زبان فارسی، همان «استیل‌واتر» عنوان کرد.) اگر به خاطر دخترش «آلیس» نبود، اصولاً به مارسی نمی‌رفت. توریست نیست و علاقه‌ای هم به یادگرفتن زبان فرانسه ندارد. البته یکی از آن آمریکایی‌های گنده‌دماغ و احمقی هم نیست که در سینما می‌بینیم. با ادب و معتقد است که باید کار درست را انجام داد. و اگر آلیس می‌گوید بی‌گناه است، بنابراین کار درست از نظر این مرد خداترس و مسلح این است که به دخترش کمک کند تا بی‌گناهی‌اش به اثبات برسد.

هرکسی می‌توانست این را بنویسد و فیلمی اکشن از دلش بیرون بکشد. اما مک کارتی هوشمندانه از فیلمنامه‌نویس فرانسوی توماس بیدگن (نویسنده فیلم «یک پیامبر») و همکارش «نوئه دوبره» کمک گرفت و فیلمنامه‌ای کاملاً متفاوت نوشت. یعنی آنقدر متفاوت که توی ذوق آنهایی می‌زند که توقع داشتند مت دیمن در جست‌وجوی عدالت، هفت‌تیری بیرون بکشد و چندتایی را سر راه نفله کند!

بیدگن صحنه‌ها را بسته‌بندی شده ننوشته است. در بسیاری از تریلرهای هالیوودی، گویی نویسنده، روی تعدادی کارت، لحظات مهم داستان را نوشته و تقسیم کرده و این کارت‌ها را به دیوار چسبانده و به کمکشان فیلمنامه را قلمی کرده است. ولی ما آن نوع فیلم‌ها را دیده‌ایم و تکرارشان کسالت‌بار است، بنابراین نویسنده‌های فیلمنامه از جاده‌های فرعی سراغ هر صحنه رفته‌اند: اجازه داده‌اند فلان اتفاق خارج صحنه رخ دهد و در عوض روی صحنه‌های کوتاه و ظاهراً پیش پا افتاده‌ای تمرکز کرده‌اند که نکات بیشتری درباره شخصیت فاش می‌سازند.

«مرداب» آمیزه‌ای از هر دو نوع صحنه را دارد. مثلا آنجا که یکی از دوستان ویرجینی از بیل می‌پرسد به چه کسی رأی داده، نمونه‌ای از ترفندی است که توضیح داده شد و با آنکه به راحتی نمی‌توان تشخیص داد چه کسی کدام بخش را نوشته؟ (مارکوس هینچی نویسنده «یکشنبه بیا» هم اسمش در عنوان بندی آمده). جذابیت فیلم در جاهایی بیشتر است که همین روزمرگی را نشان می‌دهد.

بدیهی است بیل می‌خواهد بیگناهی دخترش را ثابت کند و «مرداب» مسیر بیل را برای رسیدن به این هدف را نشان می‌دهد. اما محدودیت های فرهنگی مانع آن هستند که تنهایی در این کار موفق شود؛ گشتی در محله بدنام «کالیسته» در شمال مارسی، او را روانه بیمارستان می‌کند! بنابراین با محبت کردن به مایا، دختر هشت ساله ویرجینی، اعتماد آن زن را جلب می‌کند تا به کمکش بیاید.

* عذاب وجدان یک پدر آمریکایی به دلیل مستی مدام!

البته بیل نمی‌تواند قوانین فرانسه را تغییر دهد و معلوم هم نیست اگر مردی را که به ادعای آلیسن مرتکب قتل شده، پیدا کند، بتواند حکم را تغییر دهد. اما در حالی که با ویرجینی اوقاتی را می‌گذراند، محبتی به مایا نشان می‌دهد که در گذشته چنان مست بوده و که از دختر خود در بچگی دریغ داشته است. به همین خاطر احساس عذاب وجدان می‌کند و همین ابعاد بیشتری به بازی فوق‌العاده دیمن بخشیده. پس از بن بست رسیدن تحقیقات، بیل تصمیم می‌گیرد در مارسی، نزد ویرجینی بماند، کمی فرانسه یاد بگیرد و در کارهای خانه به او کمک کند.

اگر این را پای نوعی رستگاری برای بیل بگذاریم، ساده‌اندیشی است، ولی به هرحال چیزهایی واقعاً در وجودش دارد تغییر می‌کند. و این تغییر، جوهرهی فیلم «مرداب» است؛ بی آن که رابطه مت دیمن و بچه (که حضور بسیار سمپاتیکی دارد) فیلم را وسوسه کند و در دام لوس‌بازی‌های معمول بیندازد، ولی همین‌ها برای بیل مزه نوعی زندگی متفاوت را دارد. مخاطب یا با این قسمت فیلم ارتباط برقرار می‌کند یا بیشتر خوش دارد بیل خود را برای آلیسن به آب و آتش بزند و این صحنه‌ها برایش خمیازه آورند؟

* شکستن تصویر کابویی از آمریکایی‌ها

در مدت ۱۴۰ دقیقه‌ای فیلم، بیل اوقات زیادی را با ویرجینی و مایا در خانه صرف می‌کند. علت هم دارد: این صحنه‌ها قرار است چیزی بیش از تحولات پرونده به مخاطب منتقل کنند (جالب اینکه نچسب‌ترین صحنه در این میان جایی است که پلیس سر می‌رسد). مک کارتی هدف دیگری در سر داشته و از شخصیت دیمن استفاده کرده تا تصوری را که بعضی آمریکایی‌ها از خود دارند، بشکند. بیل حکم آینه‌ای را پیدا کرده که تصویر نوع خاصی کابوی را بازتاب می‌دهد؛ تصویری که خارجی‌ها می‌بینند: یک آمریکایی که دست روی جلد تپانچه، موقع ورود به سالون! و این الزاماً تصویری نیست که بشود به آن بالید.

فیلم ممکن است همه را راضی نکند ولی علت دارد؛ استیل واتر (آب راکد) با احساسات عمیق مخاطب سروکار دارد و خیلی‌ها حال و حوصله شیرجه رفتن در آب‌های راکد و عمیق را ندارند.

سینمای کودک در اکران آنلاین موفق خواهد بود؟

تا همین دو سال پیش وقتی صبح‌ها به خیابان می‌رفتیم، گاهی شاهد صف بچه‌هایی بودیم که برای اردو به سینما می‌رفتند و شوقی که برای فیلم دیدن با دوستانشان در چشماهایشان بود را می‌توانستیم حتی از دور ببینیم. سینما رفتن یکی از جذاب‌ترین تفریحات برای کودکان است که به دلیل همه‌گیری بیماری «کرونا» فعلا از آن‌ها دریغ شده است. هرچند سینمای کودک در بخش اکران کمی مهجور بوده و در حقش کم لطفی شده است اما با این حال تا قبل از شیوع ویروس «کرونا» توانسته بود خودش را سرپا نگه دارد.

در حال حاضر هم که سینمایی نیست و تهیه‌کنندگان می‌ترسند که معضل قاچاق آنلاین گریبان فیلم‌شان را بگیرد؛ لذا ترجیح می‌دهند تا ببینند این ویروس ناخوانده چه زمانی عزم رفتن خواهد کرد تا پس از آن به اکران فیزیکی فیلم‌ها فکر کنند. اما واقعا جای سوال دارد که برای سینمای کودک در دوران «پسا کرونا» چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ آیا می‌توان آینده امیدوارکننده‌ای را برای این حوزه مهم سینما، انتظار داشت؟

باید فضای سینما را برای بچه‌ها حفظ کنیم

بهروز مفید که تهیه کنندگی فیلم «دزد و پری» را در کارنامه خود دارد درخصوص وضعیت اکران فیلم‌های کودک و نوجوان در سینماها گفت: در دوران قبل از «کرونا»، سینمای کودک، با وجودتمام مشکلات، اکران‌های خود را داشت و روالش را طی می‌کرد. هر چند زیاد به آن بها داده نمی‌شد و زمان‌های اکران محدود بود، اما ما می‌توانستیم از اکران‌های صبح برای مدارس استفاده کنیم. در واقع اکران صبح مدارس کمک موثری برای مقوله اکران و فروش آثار بود.

این کارگردان بیان کرد: شاید بتوان گفت، بیشتر تامین بودجه فیلم‌های سینمایی کودک از بخش صبحگاهی سینماها بود .اما برای دوران بعد از کرونا، من نمی‌دانم چه اتفاقی قرار است رخ دهد، به هر حال امیدوارم فضای کودک از این وضعیت خارج شود. سینما اقتضاعات و جذابیت‌های خودش را دارد که نمی‌تواند حذف شود. به ویژه در حوزه کودک وقتی بچه‌ها با دوستان و والدینشان به سینما می‌آیند، جذابیت آن برایشان دو چندان می‌شود. لذا باید تلاش کنیم فضای سینما را برای بچه‌ها حفظ کنیم.

او ادامه داد: ما در حال حاضر شرایط خوبی نداریم. حدود یک سال و نیم است که فیلم‌ها منتظر اکران هستند. این وضعیت هم تهیه کنندگان را به‌شدت تحت فشار گذاشته و هم فضای فرهنگی را متزلزل کرده است. اگر دولت بتواند به متولیان مربوطه برای اکران آنلاین کمک کند شاید اتفاقات خوبی در این حوزه شروع به شکل گرفتن کند؛ یعنی فروش آنلاین را تقویت کرده و بلافاصله فروش خانگی را داشته باشیم. از طرفی دولت سوبسیدهایی را بدهد تا به تهیه کنندگان کمک شود که محصولاتشان را به این شیوه عرضه کنند.این تهیه کننده با اشاره به این‌که امنیت لازم برای اکران فیلم‌ها به صورت آنلاین وجود ندارد، افزود: مشکل بزرگی که در اکران آنلاین فیلم‌ها وجود دارد، مسئله قاچاق فیلم‌هاست. وقتی فیلم‌ها در پلتفرم‌ها اکران می‌شوند بیشتر از یکی دو روز فروش نمی‌کنند و بلافاصله قاچاق شده و در شبکه‌های ماهواره‌ای پخش می‌شوند یا به صورت کپی توسط سی‌دی فروش‌ها، به فروش می‌رسند. قاچاق فیلم‌ها یک معضل بزرگ است. اگر امنیت لازم برای اکران آنلاین ایجاد شود یا حداقل یارانه‌ای قابل توجه برای تهیه کنندگان در نظر گرفته شود، آن‌ها می‌توانند کمی در فضای آنلاین راحت‌تر فیلم‌هایشان را اکران کنند.

کمک موثر اکران صبح مدارس به فیلم‌های کودک

اوضاع سینمای کودک در دو دهه ۶۰ و ۷۰، مناسب بود و آثار سینمایی به راحتی اکران می‌گرفتند؛ اما این موضوع در دهه ۸۰ و ۹۰ به یکی از بزرگترین معضلات سینمای کودک تبدیل شد. البته که یکسری از فیلم‌ها مانند «کلاه قرمزی»، «مدرسه موش‌ها» یا انیمیشن‌های «آخرین داستان»، «شاهزاده روم» و... توانستند فروش خوبی داشته باشند اما بخشی از آثار کودک در زمان اکران مهجور ماندند.

شاید بتوان دلیل موفقیت آثار سینمایی یاد شده را علاوه بر ساعات خوب اکرانشان، تبلیغات خوب هم در نظر گرفت. متاسفانه، فیلم‌های حوزه کودک اغلب تبلیغات کمی دارند. البته اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که قبل از شیوع ویروس «کرونا» تعدادی از فیلم‌های در حال اکران در حوزه کودک و نوجوان، اکران صبح ویژه مدارس را اخذ می‌کردند که کمک خوبی برای دیده شدن و فروششان به حساب می‌آمد.

با این روش اکران صبحگاهی، تقریبا همه بچه‌ها می‌توانستند از طریق اردوهای مدرسه فیلم‌ها را ببینند. درواقع با یک تیر به دو نشان می‌زدند؛ یعنی هم کمی از سرمایه تهیه‌کنندگان برمی‌گشت و هم فیلم‌ها توسط بچه‌ها دیده می‌شدند.

نگرانی برای آینده سینمای کودک

بیتا منصوری، تهیه کننده، درباره وضعیت اکران فیلم‌ها گفت: من بابت آینده سینمای کودک نگران هستم. چراکه در دو سال اخیر به دلیل شیوع ویروس کرونا وضعیت اکران فیلم‌ها مطلوب نبود. «بنیاد سینمایی فارابی» از بخش کودک حمایت مالی می‌کند و برای این گونه مهم سینمایی جشنواره برگزار می‌کند. اما فیلم تولید نمی‌کنیم که فقط در جشنواره حضور داشته باشد؛ باید به فکر اکران آن هم باشیم. کاش برای اکران بهتر آثار کودک برنامه‌ریزی صورت بگیرد.

او ادامه داد: «جشنواره کودکان و نوجوانان» تنها جشنواره‌ای است که ما برای این ژانر داریم و بعضی از فیلم‌ها تنها به واسطه این جشنواره می‌توانند رنگ پرده را ببینند. برای مثال فیلم «پاستاریونی» به کارگردانی سهیل موفق دو جایزه مهم «هیئت داوران جشنواره» و هم جایزه «هیئت داوران بخش کودک» را برنده شد اما ما برای اکران آن خیلی سختی کشیدیم.

او گفت: در حال حاضر هم که اکران‌های آنلاین را شاهد هستیم، با معضل نداشتن حق کپی‌رایت مواجه می‌شویم ؛ فیلم‌ها یک ساعت بعد از اکران همه جا پخش می‌شوند و به همین خاطر صاحبان آثار بابت اکران آنلاین اثرشان هراس دارند. باید سازوکاری برای حق کپی‌رایت آثار تعریف شود که بتوان با خیال راحت آثار کودک و نوجوان را در بستر آنلاین اکران کرد.

بخشی از حیات در اکران آنلاین

با وجود همه مشکلات، سینمای کودک، به لطف «جشنواره بین‌المللی کودکان و نوجوانان» و اقدامات متولیان سینمای کودک جریان داشت و در تعامل با صنف و سینماداران در حال رونق پیدا کردن و نتیجه‌گرفتن بود اما اکنون در دو سال اخیر، با شیوع بیماری «کرونا» چالش‌هایی سر راه اکران آثار کودک به چشم می‌خورد. اما از آن‌جایی که در حال حاضر و به دلیل همه‌گیری بیماری «کرونا»، حیات سینما به اکران آنلاین وابسته شده است؛ پس باید برای اکران آنلاین فیلم‌های مختص به کودکان و نوجوانان نیز برنامه‌ریزی‌هایی صورت بگیرد.

این قضیه هم جنبه مثبت و هم منفی دارد. جنبه مثبت اکران آنلاینِ فیلم‌های کودک این است که تمام بچه‌ها از سراسر ایران می‌توانند از تماشای فیلم‌ها لذت ببرند. در خیلی از شهرستان‌ها تنها یک سینما داریم یا اصلا سینما نداریم، بنابراین همه بچه‌ها نمی‌توانستند از فرصت تماشای آثار سینمایی این حوزه بهره‌مند شوند. از طرفی این روزها بچه‌ها هیچ تفریحی خارج از خانه ندارند و فقط مشغول فیلم دیدن و بازی‌های کامپیوتری هستند. پس اکران آنلاین فیلم‌های کودک و نوجوان می‌تواند فرصت خوبی برای دیده شدن باشند. در این فضا البته باید قاچاق فیلم‌ها را در نظر داشت که جنبه منفی اکران‌های آنلاین به شمار می‌آید.

در حال حاضر پلتفرم‌های آنلاین ما هنوز امنیت لازم را ندارند و فیلم‌ها بعد از چند روز اکران، کپی شده و به صورت قاچاق پخش می‌شوند. البته مدیران و مسئولان مربوطه مدت‌هاست به دنبال راه حل دائمی برای این معضل هستند.

اگر مشکل امنیت پلتفرم‌ها حل شود، اکران آنلاین می‌تواند نه تنها برای سینمای کودک بلکه برای همه حوزه‌های سینمایی کمک کننده باشد. همچنین می‌توان در دوران پسا کرونا در کنار سینمای فیزیکی، سینمای آنلاین را هم داشته باشیم تا افرادی که شرایط سینما رفتن ندارند، هرجایی که هستند بتوانند فیلم‌ها را ببینند.

یک فنجان چای داغ

همراه با رونمایی از تیزر رسمی جشنواره؛

جزییات برگزاری دومین جشنواره فیلم نوستالژیا تشریح شد

محمد قانع‌فرد دبیر دومین جشنواره فیلم نوستالژیا جزییات برگزاری این دوره جشنواره را که ۳۰ شهریورماه تا ۳ مهرماه در میلان ایتالیا برگزار می‌شود، تشریح کرد.

به گزارش امتیاز، محمد قانع فرد نویسنده، کارگردان و تهیه کننده سینما و دبیر دومین جشنواره فیلم نوستالژیا درباره زمان برپایی جشنواره گفت: دومین جشنواره فیلم نوستالژیا ۳۰ شهریورماه تا ۳ مهرماه مصادف با ۲۱ تا ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۱ برگزار می‌شود. البته با توجه به شرایط و محدودیت‌هایی که جهان با آن به دلیل شیوع کرونا درگیر است، امیدواریم که مشکلی برای برگزاری نداشته باشیم.

وی درباره نحوه برگزاری جشنواره نیز بیان کرد: بنایی به نمایش آنلاین فیلم‌های حاضر در جشنواره و در اصل اعتقادی به برگزاری آنلاین جشنواره نوستالژیا نداریم، چراکه معتقدیم جشنواره آنلاین، هویت اصلی یک جشنواره را که در واقع جمع شدن هنرمندان گردهم، ایجاد تعامل و تماشای فیلم‌ها کنار یکدیگر است، نخواهد داشت و برگزاری آنلاین جشنواره، اهداف و فوایدی که از برگزاری جشنواره در ذهن ما است، پاسخگو نیست.

قانع فرد درباره داوری آثار جشنواره گفت: در پروسه‌ای فشرده، سخت و حرفه‌ای، کار داوری فیلم‌ها به پایان رسیده است و ما در هر بخش یک اثر برگزیده معرفی خواهیم کرد. داوری آثار توسط داورها به صورت آنلاین انجام شد و تصمیم‌گیری برای انتخاب بهترین فیلم کوتاه، بهترین فیلم بلند و بهترین فیلمنامه، بسیار سخت و چالش برانگیز بود.

وی در ادامه درباره تاثیرات کرونا و قرنطینه توضیح داد: تاثیراتی که کرونا بر جهان داشته، غیرقابل انکار است و فکر می‌کنم دیگر شاهد شرایطی قبل از کرونا با آن مواجه بودیم، نباشیم. همچنان که حالا که چند روز به آغاز جشنواره نوستالژیا مانده است و بنا داریم سر تاریخ آن را برگزاری کنیم اما نمی‌دانیم شرایط به چه منوال پیش خواهد رفت! چراکه شرایط قابل پیش‌بینی نیست و اجازه برنامه‌ریزی دقیق را از مسئولان یک جشنواره می‌گیرد. خیلی از جشنواره‌های جهانی به دلیل کرونا، تعطیل شدند کما اینکه ما نیز سال گذشته، دومین دوره جشنواره نوستالژیا را برگزار نکردیم و خیلی از جشنواره‌ها نیز به سمت برگزاری آنلاین رفتند.

دبیر دومین جشنواره فیلم نوستالژیا همچنین از انتشار تیزر رسمی جشنواره خبر داد و گفت: دومین دوره جشنواره فیلم نوستالژیا ابراز همدردی خود را با ملت ستم دیده افغانستان اعلام و برای همه مردم در هر کجای دنیا، صلح و آرامش آرزو می‌کند. تیزر رسمی دومین دوره جشنواره بین المللی فیلم نوستالژیا میلان ایتالیا نیز با طراحی و ساخت میدیا کیاست رونمایی و منتشر شد.

وی در پایان ضمن تشکر از اهالی رسانه، هنرمندان، داورها و همراهان این جشنواره، گفت: جشنواره فیلم نوستالژیا، اولین جشنواره فیلم های ایرانی در ایتالیا است که با هدف ایجاد فضای نوستالژیک برای ایرانیان شمال ایتالیا و ارائه بخشی از فرهنگ و هنر ایران به ایتالیایی‌ها راه‌اندازی شده است و در ۲ بخش رقابتی کوتاه و بلند، برگزار می‌شود.

جشنواره فیلم نوستالژیا ۳۰ شهریورماه تا ۳ مهرماه ۱۴۰۰ مصادف با ۲۱ تا ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۱ برگزار می‌شود.

«مشق امشب» آماده نمایش و پخش جهانی شد

«مشق امشب» به کارگردانی اشکان نجاتی و مهران نعمت اللهی با نگاهی به فیلم «مشق شب» اثر عباس کیارستمی آماده نمایش و پخش جهانی شد.

به گزارش امتیاز، «مشق امشب» به کارگردانی اشکان نجاتی و مهران نعمت اللهی با نگاهی به فیلم «مشق شب» یکی از فیلم‌های ماندگار عباس کیارستمی، آماده نمایش و پخش جهانی شد.

این فیلم، لایه‌های پنهان مسائل آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان ایران را به تصویر می‌کشد که از نگاه جامعه به دور مانده است.

در خلاصه این فیلم آمده است: «مدرسه به درد نمی خوره.. »

پخش بین الملل فیلم به عهده شرکت Iranian independents به مدیریت محمد اطبایی است.

فهرست عوامل «مشق امشب» عبارت است از:

طراح و کارگردان: اشکان نجاتی و مهران نعمت اللهی، مدیر فیلمبرداری: حامد فرشته حکمت، صدابردار: فرید پیرایش، صداگذار: سیدرضا گدازگر، تدوین: وحید گلستان، دستیار تدوین: مطهره روحی نیا، طراح تیتراژ: کورش پارسانژاد، دستیار اجرایی تیتراژ: محمد مهرانفر، برنامه ریز: مرجان پروین حسینی، منشی صحنه: مهسا معارف خواه، اصلاح رنگ و نور : فربد جلالی، ساخت تیزر: منصور غلامی و ماهک منصوریان، عکاس: غلامرضا بهرامی، الناز افتخاری و زهره لطفی، طراح سایت: ایمان نعمت اللهی، مترجم: صنم کلانتری، زیرنویس: پوریا صدر، مدیر تدارکات: حسین کریمی، طراح پوستر: سیدجعفر ذهنی، طراح عنوان فیلم: سعید سلیمی، اجرای نوشته عنوان: ماهان خوشیار، روابط عمومی: آزاده فضلی، تهیه کننده: اشکان نجاتی و مهران نعمت اللهی، پخش بین‌الملل: محمد اطبایی.

مریم کاویانی با ۲ سریال جدید به تلوزیون برمی گردد

تجربه حضور همزمان در «او یک فرشته بود» و «روزگار قریب»

مریم کاویانی با سریال «او یک فرشته بود» بازی در مجموعه های تلویزیونی را آغاز کرد و با همان نقش هم در میان مخاطبان شناخته شد. این بازیگر در ادامه در سریال های دیگری از جمله راه شب، پدرخوانده، زیرزمین، روزهای زیبا، پنجمین خورشید، دارا و ندار، محکومین، مدینه و بوی باران به ایفای نقش پرداخت.

کاویانی در سریال «روزگار قریب» ایفاگر نقش پرستاری هم اسم و رسم خودش است. به نوعی که خود او هم قبل از ورود به عالم بازیگری، به کار پرستاری اشتغال داشته است. این بازیگر حضور در سریال «روزگار قریب» و همکاری با کیانوش عیاری را یکی از شانس های بزرگ دوران حرفه ای اش می داند و آرزو می کند که همکاری دوباره ای با این کارگردان مجرب و صاحب سبک داشته باشد.

او می گوید: آقای عیاری همه امکانات و عوامل از دوربین گرفته تا میزانسن، دیالوگ، دکوپاژ و غیره را در اختیار بازیگر قرار می دهند و همین مسئله باعث می شود تا هنرپیشه بتواند با نقشش عجین شده و خوب بازی کند.

کاویانی درباره نقش خود در سریال «روزگار قریب» یادآور می شود: حضور همزمان در سریال «او یک فرشته بود» یکی از دلایل کوتاهی نقشم در سریال «روزگار قریب» بود. نقش اولیه ام در این سریال پررنگ تر بود اما بلافاصله پس از «روزگار قریب» پیشنهاد بازی در سریال «او یک فرشته بود» را دریافت کردم. آقای عیاری با لطف و بزرگواری نقش مرا کمرنگ کردند تا بتوانم به آن سریال برسم. در واقع، دیده شدنم در سریال «او یک فرشته بود» را مدیون تصمیم آقایان عیاری و افخمی هستم.

این بازیگر، سبک کارگردانی، بازیگردانی و کاربلدی عیاری و فضای خاص و ویژه را از جمله دلایل جذابیت «روزگار قریب» برمی شمرد. او درباره بازپخش این مجموعه از شبکه آی فیلم هم می گوید: یکی دو قسمت را دوباره دیده ام. اما از آنجا که کسالت دارم نتوانسته ام همه قسمت هایش را دنبال کنم.

او همچنین اظهار می کند: مردم سریال های قدیمی را با عشق و علاقه بیشتری می بینند و ارتباط بهتری برقرار می کنند. انگار که روح عجیبی در فضای این سریال‌ها وجود دارد.

کاویانی درباره جذابیت ایفای نقش پرستار در این سریال که شغل اصلی اش هم محسوب می شود، می گوید: یشتر از این موضوع، چیزی که برایم جذابیت داشت، قصه واقعی سریال بود و در مرحله دوم، همکاری با آقای عیاری. «روزگار قریب» در واقع دومین سریال من بعد از «راه شب» آقای داریوش فرهنگ بود و توانستم با آقای عیاری افتخار همکاری را داشته باشم. کار کردن با این کارگردان بزرگ و واقعی بودن قصه سریال برایم خیلی اهمیت داشت.او درباره نبود فیلمنامه کامل در حین تولید کار و دشواری احتمالی این موضوع برای بازیگران، اظهار می کند که با وجود آقای عیاری هیچ سختی و مشکلی در این رابطه وجود نداشت.

کاویانی در پایان درباره دلایل فعالیت کمرنگ خود در عرصه بازیگری نیز توضیح می دهد: از فروردین امسال به بازیگری برگشته ام. در همین مدت هم در دو سریال «آسانسور» و «راز ناتمام» بازی کرده ام. دو قرارداد دیگر هم دارم که چون هنوز جلوی دوربین نرفته ام، نمی توانم اطلاع رسانی کنم. همیشه در من علاقه به بازیگری وجود داشته است و همچنان دارد. اگر شرایطش فراهم باشد فرصت بازیگری را از دست نمی دهم.